

افزایش قیمت ارز و کاهش ارزش واقعی سرمایه تولیدکنندگان

نادر مهرگان

افزایش قیمت کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای

کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای مورد نیاز تولیدکنندگان داخلی، برخی در داخل کشور و برخی از طریق واردات تأمین می‌شوند؛ برای نمونه، میزان سرمایه‌گذاری کشور در ماشین‌آلات و لوازم کسب و کار که از محل واردات و تولیدات داخلی صورت گرفته از لحاظ آماری در طی سالهای ۱۳۵۳ تا ۱۳۶۹ مورد بررسی قرار می‌گیرد.

میزان سرمایه‌گذاری در ماشین‌آلات و لوازم کسب و کار که از محل واردات صورت گرفته در واردات قبل از انقلاب از

سیاست تک نرخی کردن ارز پیامدهای بی‌شماری به همراه داشته که در این بررسی تنها به یکی از مهمترین نارسائیهای سیاست مذکور که کاهش ارزش واقعی سرمایه تولیدکنندگان است، اشاره خواهد شد.

به منظور نشان دادن تأثیر افزایش قیمت ارز بر روی کاهش ارزش واقعی سرمایه تولیدکنندگان؛ نخست به افزایش قیمت کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای اعم از داخلی و وارداتی اشاره خواهد شد. سپس به چگونگی جبران کاهش قدرت خرید تولیدکنندگان با توجه به اقداماتی که توسط دولت و یا تولیدکنندگان صورت گرفته، خواهیم پرداخت.

جدول (۱): سرمایه‌گذاری در ماشین‌آلات و لوازم کسب و کار به تفکیک از محل تولیدات داخلی و واردات و سهم واردات به کل (به قیمت ثابت سال ۶۱) (میلیارد ریال)

سال	تولیدات داخلی	واردات	کل	نسبت واردات به کل (درصد)
۱۳۵۳	۱۸۱/۳	۳۱۸/۲	۴۹۹/۵	۶۴
۱۳۵۴	۲۰۲/۸	۶۶۳/۵	۸۶۶/۳	۷۷
۱۳۵۵	۲۲۰/۴	۶۸۳/۱	۹۰۳/۵	۷۶
۱۳۵۶	۲۵۲/۰	۷۳۴/۹	۹۸۶/۹	۷۴
۱۳۵۷	۲۰۲/۷	۳۸۸/۹	۵۹۱/۶	۶۶
۱۳۵۸	۱۵۲	۲۲۵/۶	۳۷۷/۶	۶۰
۱۳۵۹	۲۰۲/۳	۱۵۵/۹	۳۵۸/۲	۴۴
۱۳۶۰	۲۳۱/۲	۱۹۵/۲	۴۲۶/۴	۴۶
۱۳۶۱	۲۵۰/۸	۲۲۲/۶	۴۷۳/۴	۴۷
۱۳۶۲	۳۴۷/۶	۳۷۲/۴	۷۲۰	۵۲
۱۳۶۳	۴۴۰/۷	۳۸۷/۳	۸۲۸	۴۷
۱۳۶۴	۳۹۴/۴	۲۲۲/۲	۶۱۶/۶	۳۶
۱۳۶۵	۱۹۴/۲	۱۲۶/۲	۳۲۰/۴	۳۹
۱۳۶۶	۱۶۰/۴	۸۴/۵	۲۴۴/۹	۳۴
۱۳۶۷	۱۲۹/۹	۱۱۹/۴	۲۴۹/۳	۴۸
۱۳۶۸	۱۳۰/۶	۲۲۲	۳۵۲/۶	۶۳
۱۳۶۹	۱۷۹/۹	۲۸۰/۹	۴۶۰/۷	۶۱

مأخذ: ۱- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران - حسابهای ملی ایران (۱۳۶۶ - ۱۳۵۳) - تهران: اداره حسابهای اقتصادی - ۱۳۷۰.

۲- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران - حسابهای ملی ایران (۶۹ - ۱۳۶۷) - تهران: اداره حسابهای اقتصادی - ۱۳۷۱.

می‌دهد. لذا قیمت کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای مورد نیاز بخش صنعت، به دلیل وارداتی بودن سهم عمده آن به شدت

میزان وابستگی بخش صنعت و معدن، افزایش قیمت ارز، این بخش را بیشتر از سایر بخشها مورد تحدید قرار

۸۱-۷-۱۸۱۱ (۱۸۱۱) شماره

در صورتی که ... (۱)

مبتنی بر ...
 کیفیت ...
 ارزش ...

مبتنی بر ...

مبتنی بر ...

مبتنی بر ...

مبتنی بر ...

مبتنی بر ...

مبتنی بر ...

مبتنی بر ...

مبتنی بر ...

مبتنی بر ...

مبتنی بر ...

مبتنی بر ...

مبتنی بر ...

مبتنی بر ...

مبتنی بر ...

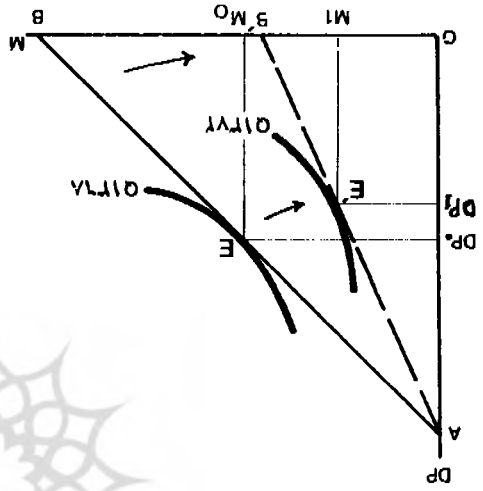
مبتنی بر ...

مبتنی بر ...

مبتنی بر ...

مبتنی بر ...

(۱) نمودار ...



(۱) نمودار ...

(۱) شکل

... (۱) شکل

...
 ...
 ...

...
 ...

...
 ...
 ...
 ...
 ...

در شکل (۱) حالتی نشان داده شده که تنها قیمت کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای وارداتی افزایش یافته و قیمت کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای تولید داخلی نکرده است. قبل از سیاست تک نرخی کردن ارز (برای مثال سال ۱۳۶۸) فضای بودجه‌ای که تولیدکننده در اختیار داشت فضای OAB بود که تولیدکننده با انتخاب M_0 از کالای وارداتی و DP_0 از کالای تولید شده داخلی، تولید خود را به حداکثر مقدار می‌رساند.

پس از سیاست تک نرخی کردن ارز، قیمت کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای که قبلاً مورد حمایت بودند افزایش خواهد یافت و در واقع قدرت خرید تولیدکننده کاهش می‌یابد، به طوری که تنها امکان دسترسی به فضای OAB' را خواهد داشت.

با وجود فضای مذکور و در واقع کاهش قدرت خرید، تولیدکننده مقدار استفاده از کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای مورد نیاز جهت تولید را (اعم از وارداتی و تولید داخلی) کاهش خواهد داد. بدین ترتیب همان طور که در شکل (۱) نیز نشان داده شده، مقدار استفاده از کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای وارداتی به دلیل افزایش قیمت ارز از M_0 به M_1 و مقدار استفاده از کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای تولید داخلی نیز

از PD_0 به PD_1 کاهش یافته است که در این صورت، با توجه به امکانات موجود برای تولیدکننده، میزان تولید از ۱۳۶۸ به ۱۳۷۲ کاهش خواهد یافت. کاهش تولید مذکور تنها با این فرض است که قیمت کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای تولید شده در داخل، ثابت باشد. در حالی که در واقع قیمت این کالاها ثابت نبوده بلکه با افزایش، همراه بوده است که در نتیجه تولید با شدت بیشتری کاهش می‌یابد.

افزایش قیمت کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای تولید شده در داخل را می‌توان ناشی از دو علت دانست: الف) وابستگی تولید کالاهای مذکور به تکنولوژی وارداتی ب) عدم تحرک کافی عوامل تولید داخلی.

الف) وابستگی تولید کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای به تکنولوژی وارداتی

همانطور که موردی اشاره شد در بین بخشهای اقتصادی، در بخش صنعت و معدن که نقش اساسی در تولید کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای کشور دارد، بیش از ۸۰ درصد از سرمایه‌گذاری در ماشین‌آلات از محل واردات صورت می‌گیرد (به جدول ۲ توجه شود). تولید ناخالص داخلی نیز به شدت

جدول (۲): سرمایه گذاری در ماشین آلات و لوازم کسب و کار از محل تولیدات داخلی و واردات بر حسب فعالیت‌های اقتصادی (به قیمت ثابت سال ۶۱)

(میلیارد ریال)

جمع	نسبت واردات به کل درصد (درصد واقعی)			کل			از محل واردات			از محل تولیدات داخلی			سال
	خدمات	صنایع و معادن	کشاورزی	خدمات	صنایع و معادن	کشاورزی	خدمات	صنایع و معادن	کشاورزی	خدمات	صنایع و معادن	کشاورزی	
۴۹۹/۵	۵۳	۸۱	۴۲	۲۹۶/۲	۱۷۴/۲	۲۹/۱	۱۵۶/۹	۱۴۹	۱۲/۳	۱۳۹/۳	۲۵/۲	۱۶/۸	۱۳۵۳
۸۹۶/۳	۶۶	۹۲	۶۳	۴۳۳/۴	۳۵۲/۹	۵۰	۳۰۷/۴	۳۲۴/۸	۳۱/۴	۱۵۶	۲۸/۱	۱۸/۷	۱۳۵۴
۹۰۳/۵	۶۴	۹۲	۵۶	۴۶۵/۴	۳۹۱/۹	۴۶	۴۹۶/۱	۳۶۱/۴	۲۵/۶	۱۹۹/۵	۳۰/۵	۲۰/۴	۱۳۵۵
۹۸۶/۹	۶۴	۹۱	۴۷	۵۵۵/۵	۳۹۷/۸	۴۳/۶	۴۵۱/۶	۳۶۲/۸	۲۰/۵	۱۹۲/۹	۳۵	۲۳/۱	۱۳۵۶
۵۹۱/۶	۵۳	۸۸	۳۲	۳۲۸/۳	۱۳۵/۹	۲۷/۴	۱۲۲/۶	۲۰۷/۵	۸/۸	۱۵۵/۷	۲۸/۴	۱۸/۶	۱۳۵۷
۳۹۷/۶	۴۳	۸۱	۲۸	۲۰۴/۵	۱۵۰/۶	۲۲/۵	۸۷/۶	۱۲۹/۵	۸/۵	۱۱۶/۹	۲۱/۱	۱۴	۱۳۵۸
۳۵۸/۲	۳۴	۷۲	۲۱	۲۲۴/۵	۱۰۰/۱	۲۳/۶	۷۹	۷۲	۴/۹	۱۵۵/۵	۲۸/۱	۱۸/۷	۱۳۵۹
۴۱۶/۳	۳۰	۷۷	۴۰	۲۵۲/۳	۱۳۸/۸	۳۵/۲	۷۴/۶	۱۰۶/۶	۱۴	۱۷۶/۸	۳۲/۹	۲۱/۲	۱۳۶۰
۴۳۳/۳	۲۹	۷۸	۲۶	۲۶۶/۵	۱۸۰/۳	۲۶/۶	۷۷/۷	۱۳۷/۹	۷	۱۸۸/۸	۴۲/۴	۱۹/۶	۱۳۶۱
۷۲۰	۳۳	۸۳	۳۸	۴۲۴/۸	۲۵۹/۷	۳۵/۵	۱۴۲/۱	۲۱۶/۷	۱۳/۶	۲۸۱/۷	۴۳	۲۱/۹	۱۳۶۲
۸۷۸	۳۰	۸۰	۱۶	۵۰۲/۳	۲۸۷/۲	۳۸/۵	۱۵۲/۸	۲۱۸/۵	۶	۳۴۵/۵	۵۸/۷	۳۲/۵	۱۳۶۳
۹۱۶/۶	۲۵	۶۹	۱۵	۴۰۶/۳	۱۶۰	۵۰/۲	۱۰۳/۳	۱۱۱/۱	۷/۷	۳۰۳	۴۸/۹	۴۲/۵	۱۳۶۴
۳۲۰/۳	۲۹	۶۹	۱۵	۱۹۷/۶	۹۱/۸	۳۱	۵۷/۹	۳۲/۷	۴/۶	۱۳۶/۷	۲۸/۱	۲۶/۴	۱۳۶۵
۲۴۴/۹	۲۵	۶۶	۳	۱۱۳/۸	۶۳/۶	۱۷/۵	۴۱/۸	۴۲/۲	۵/۵	۱۱۱	۲۱/۳	۱۷	۱۳۶۶
۲۴۹/۳	۳۴	۸۰	۸	۱۴۲/۵	۸۵/۷	۱۶/۱	۴۹/۶	۹۸/۵	۱/۳	۹۷/۹	۱۷/۲	۱۴/۸	۱۳۶۷
۳۵۲/۶	۵۵	۸۴	۲۱	۲۱۸/۳	۱۱۱/۹	۱۹/۳	۱۲۰/۹	۹۷	۴/۱	۹۷/۴	۱۷/۹	۱۵/۳	۱۳۶۸
۴۶۰/۷	۴۸	۸۶	۱۲	۳۹۰/۱	۱۷۶/۵	۳۳/۱	۱۲۴/۷	۱۵۳/۴	۲/۸	۱۳۵/۵	۲۴/۱	۲۰/۳	۱۳۶۹

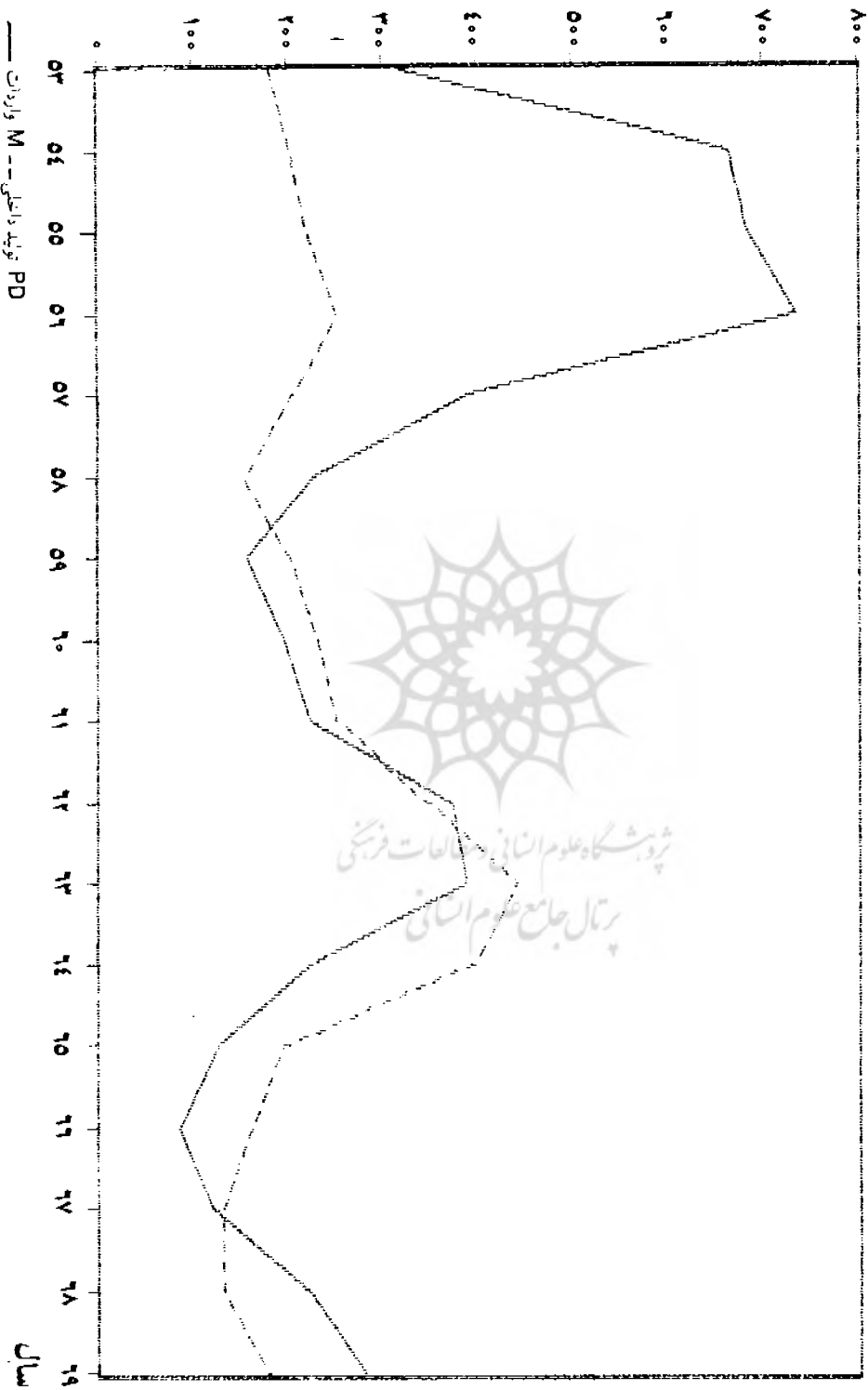
* شامل ارقام نفت و گاز نیز می‌باشد.

نمودار (۱): روند سرمایه گذاری در ماشین آلات و لوازم کسب و کار به تفکیک از محل تولیدات داخلی و واردات (۱۳۹۱=۱۰۰)

سال ۱۳۹۱

میلیارد ریال ثابت

۴ - افزایش قیمت ارز ...



سال

که با تبدیل کوپک، مدل را به صورت زیر ارائه می‌دهیم:

$$PD_t = A \cdot M_t^\alpha \cdot PD_{t-1}^\delta \quad \xi_t \quad (3)$$

پس از لگاریتم گرفتن از طرفین، مدل غیرخطی را تبدیل به یک مدل خطی نموده و از روش حداقل مربعات به منظور برآورد پارامترها استفاده می‌کنیم:

(4)

$$\ln PD_t = \ln A + \alpha \ln M_t + \delta \ln PD_{t-1} + \ln \xi_t$$

مدل خطی بدست آمده (معادله 4) با استفاده از ارقامی که در جدول (1) ارائه شده به صورت زیر برآورد شده است:

(5)

$$\ln PD_t = 1/46 + 0/2 \ln M_t + 0/5 \ln PD_{t-1} \quad (1) \quad (2/25) \quad (3/1)$$

$$+ 0/5 MA(1) \quad (2/1)$$

$$R^2 = 0/69 \quad D.W = 1/98 \quad n = 0/05 \\ n = 16 \quad F = 8/87$$

برآورد فوق نشان می‌دهد که اگر واردات کالاهای سرمایه‌ای که صرف سرمایه‌گذاری در ماشین‌آلات و لوازم کسب و کار می‌شود، یک درصد کاهش یابد، بنابراین در کوتاه مدت مقدار تولیدات

که توابع تولید از نوع روابط فنی هستند (نظیر تابع تولید کاب - داگلاس). بدین ترتیب آن قسمت از تولیدات داخلی که در سرمایه‌گذاری مذکور مؤثرند (همانند توابع مشهور در اقتصاد)، را تابعی از واردات کالاهایی که در سرمایه‌گذاری مذکور هستند، در نظر می‌گیریم.

$$PD_t = A \cdot M_t^\alpha \quad \xi_t \quad (1)$$

که در آن، PD_t آن قسمت از تولیدات داخلی و M_t آن قسمت از واردات می‌باشند که منجر به سرمایه‌گذاری مذکور شده‌اند. A و α پارامترهای مدل و ξ_t جزء خطای مدل می‌باشند.

از آنجا که PD_t تنها تابعی از M_t نیست بلکه تابعی از $M_{t-1}, M_{t-2}, \dots, M_{t-n}$ که $i=1, 2, 3, \dots, n$ می‌باشد نیز هست (به عبارت دیگر ورود تکنولوژی در سال جاری تنها در تولید سال جاری تأثیر ندارد بلکه در تولیدات سالهای آینده نیز تأثیر می‌گذارد) لذا تأثیر تکنولوژی وارداتی مربوط به سالهای گذشته، کمتر از سال جاری و سالهایی که به سال جاری نزدیکتر است می‌باشد. بنابراین مدل مذکور را به صورت زیر ارائه می‌کنیم:

(2)

$$PD_t = A \cdot M_t^{\alpha_1} \cdot M_{t-1}^{\alpha_2} \cdot \dots \cdot M_{t-n}^{\alpha_n} \cdot \xi_t = \\ A \cdot \prod_{i=1}^n M_{t-i}^{\alpha_i} \cdot \xi_t$$

۸۳/۰ ... ۸۳/۰ ...

در این مسئله، فرض کنیم که ...
 مسئله را به این صورت بیان می‌کنیم ...
 فرض کنیم که ...
 در این مسئله، فرض کنیم که ...
 مسئله را به این صورت بیان می‌کنیم ...
 فرض کنیم که ...
 در این مسئله، فرض کنیم که ...
 مسئله را به این صورت بیان می‌کنیم ...
 فرض کنیم که ...
 در این مسئله، فرض کنیم که ...
 مسئله را به این صورت بیان می‌کنیم ...
 فرض کنیم که ...

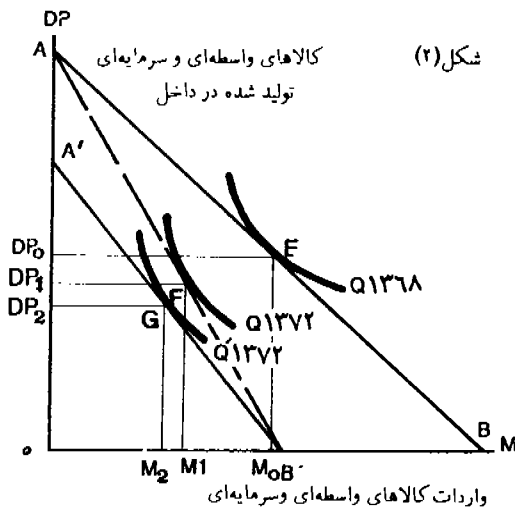
در این مسئله، فرض کنیم که ...
 مسئله را به این صورت بیان می‌کنیم ...
 فرض کنیم که ...
 در این مسئله، فرض کنیم که ...
 مسئله را به این صورت بیان می‌کنیم ...
 فرض کنیم که ...
 در این مسئله، فرض کنیم که ...
 مسئله را به این صورت بیان می‌کنیم ...
 فرض کنیم که ...
 در این مسئله، فرض کنیم که ...
 مسئله را به این صورت بیان می‌کنیم ...
 فرض کنیم که ...

فرض کنیم که ...
 مسئله را به این صورت بیان می‌کنیم ...

فرض کنیم که ...
 مسئله را به این صورت بیان می‌کنیم ...

$$\frac{10}{1} = \frac{10}{1} = 10$$
 در این مسئله، فرض کنیم که ...
 مسئله را به این صورت بیان می‌کنیم ...
 فرض کنیم که ...

فرض کنیم که ...
 مسئله را به این صورت بیان می‌کنیم ...



کالا‌های وارداتی موجب افزایش تقاضای کالا‌های تولید شده در داخل گردیده (به دلیل وجود صرفه‌های اقتصادی با افزایش عرضه و تولید، قیمت آنها نیز کاهش می‌یابد) و نه تنها تولید را با شدت کمتری کاهش می‌دهد بلکه حتی ممکن است در برخی از موارد تولید را افزایش دهد.

به منظور روشن شدن تأثیر افزایش قیمت ارز روی تولید داخلی، هنگامی که تولیدکنندگان کالا‌های واسطه‌ای و سرمایه‌ای داخلی با صرفه‌های به مقیاس مواجه باشند و بتوانند کالا‌های داخلی را جانشین کالا‌های وارداتی نمایند از شکل (۳) استفاده می‌گردد.

در صورتی که با افزایش قیمت ارز و افزایش قیمت کالا‌های واسطه‌ای و سرمایه‌ای داخلی، تقاضا برای این گونه کالا‌های تولید شده در داخل افزایش یابد

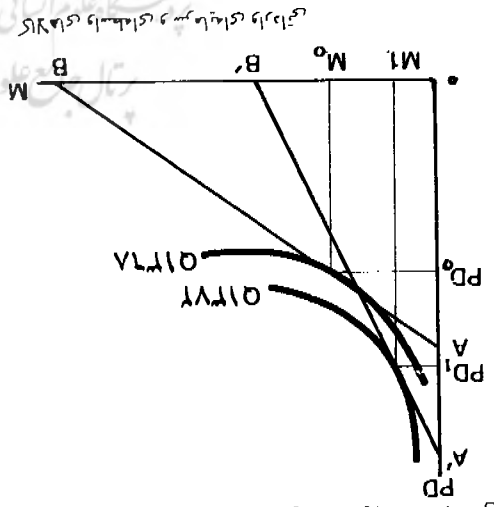
وارداتی و تولید داخلی افزایش یابند به طوری که قیمت کالا‌های تولید شده داخلی کمتر از افزایش قیمت کالا‌های وارداتی باشد، در آن صورت فضای $OA'B'$ برای تولید کننده قابل دسترسی است که این فضا به مراتب کمتر از فضای OAB و همچنین کمتر از فضای OAB' می‌باشد. بدین ترتیب قدرت خرید یا سرمایه واقعی تولید کننده به شدت کاهش می‌یابد که در این صورت تولید به جای اینکه از $Q1368$ به $Q1372$ کاهش یابد به $Q'1372$ کاهش خواهد یافت که کاهش تولید از $Q1372$ به $Q'1372$ مربوط به افزایش قیمت کالا‌های واسطه‌ای و سرمایه‌ای تولید داخلی است.

خلاصه کلام اینکه علت وقوع چنین مسئله‌ای، عدم تحرک کافی عوامل تولید داخلی می‌باشد به طوری که اگر صنایع و تولیدکنندگان کالا‌های سرمایه‌ای و واسطه‌ای داخلی با ظرفیتهای بیکار، مواجه شدند و قادر بودند با افزایش تولید، هزینه‌های متوسط تولید را کاهش دهند و یاب عبارتگی اگر تولیدکنندگان کالا‌های واسطه‌ای و سرمایه‌ای، با صرفه‌های اقتصادی مواجه بودند و کالا‌های وارداتی، به عنوان جانشین کالا‌های تولیدی آنها محسوب می‌شد، در آن صورت افزایش قیمت ارز و افزایش قیمت

به نام اوراق بهادری و سرمایه‌های دیگر که در صورت وقوع بحران و نوسانات شدید در بازار، به صورت خودکار به نقد درآید و به سرمایه‌گذاران بازگردد. این نوع اوراق بهادری که به صورت خودکار به نقد درآید، به نام اوراق بهادری با تضمین نقدی (CDO) شناخته می‌شود.

تفاوت اوراق بهادری با سایر اوراق بهادری

تفاوت اصلی اوراق بهادری با سایر اوراق بهادری در این است که اوراق بهادری به صورت خودکار به نقد درآید و به سرمایه‌گذاران بازگردد. این نوع اوراق بهادری که به صورت خودکار به نقد درآید، به نام اوراق بهادری با تضمین نقدی (CDO) شناخته می‌شود. در حالی که سایر اوراق بهادری به صورت معمولی در بازار معامله می‌شوند و به صورت خودکار به نقد درآید و به سرمایه‌گذاران بازگردد.



تفاوت اوراق بهادری با سایر اوراق بهادری

تفاوت اصلی اوراق بهادری با سایر اوراق بهادری در این است که اوراق بهادری به صورت خودکار به نقد درآید و به سرمایه‌گذاران بازگردد. این نوع اوراق بهادری که به صورت خودکار به نقد درآید، به نام اوراق بهادری با تضمین نقدی (CDO) شناخته می‌شود. در حالی که سایر اوراق بهادری به صورت معمولی در بازار معامله می‌شوند و به صورت خودکار به نقد درآید و به سرمایه‌گذاران بازگردد.

تفاوت اوراق بهادری با سایر اوراق بهادری

تفاوت اصلی اوراق بهادری با سایر اوراق بهادری در این است که اوراق بهادری به صورت خودکار به نقد درآید و به سرمایه‌گذاران بازگردد. این نوع اوراق بهادری که به صورت خودکار به نقد درآید، به نام اوراق بهادری با تضمین نقدی (CDO) شناخته می‌شود. در حالی که سایر اوراق بهادری به صورت معمولی در بازار معامله می‌شوند و به صورت خودکار به نقد درآید و به سرمایه‌گذاران بازگردد.

پرداخت وام به تولیدکنندگان می‌نماید تا آنها قادر باشند با قیمت جدید ارز، کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای وارداتی مورد لزوم را که جانشین داخلی ندارد جهت رسیدن به سطح تولید قبلی خود خریداری کنند و به فعالیت خود را ادامه دهند.

در عمل، جبران کاهش قدرت خرید تولیدکنندگان، از توان دولت خارج بود؛ زیرا اولاً، افزایش قیمت ارز به حدی بود که سرمایه‌های ریالی زیادی را می‌طلبد تا قدرت خرید تولیدکنندگان جبران شود، ثانیاً، جبران قدرت خرید، تنها ناشی از افزایش قیمت کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای وارداتی نبود، بلکه همراه با افزایش قیمت کالاهای مذکور، قیمت کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای تولید شده در داخل نیز به دلیل وابستگی به واردات و نیازمندی به ارز، با افزایش قیمت همراه گردید. بدین ترتیب به منظور حفظ سطح تولید، باید آن قدر قدرت خرید تولیدکننده افزایش می‌یافت تا بتواند جبران افزایش قیمت کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای وارداتی و هم تولید داخلی را بنماید.

حال اگر کاهش قدرت خرید تولیدکنندگان، کاملاً جبران شود، در آن صورت تأثیر افزایش قیمت ارز به منظور تسخیر واردات کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای خنثی خواهد شد؛ زیرا در کشور

ما بسیاری از کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای تولید شده در داخل و همچنین وارداتی، به جای اینکه کاملاً جانشین یکدیگر باشند، تقریباً مکمل یکدیگر هستند؛ بدین معنی که اگر با افزایش قیمت ارز، واردات کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای کاهش یابد در آن صورت با افزایش قیمت کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای تولید داخلی، عرضه و تقاضای آن نیز کاهش خواهد یافت. ارقام مربوط به جدول (۱) و همچنین آزمون تجربی که در این زمینه در قسمت قبلی صورت گرفته این مسئله را تأیید می‌کند.

بدین ترتیب با توجه به اینکه برخی از کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای وارداتی و تولید شده در داخل، تقریباً مکمل یکدیگر هستند، لذا در آن صورت جبران کاهش قدرت خرید تولیدکنندگان نیز منجر به افزایش مصرف کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای وارداتی و تولید داخلی، به همان اندازه‌ای که قبل از افزایش قیمت ارز بوده، خواهد شد.

پرداخت وام به تولیدکنندگان، به منظور جبران کاهش قدرت خرید و حفظ تولید در حد قبلی ممکن است در کوتاه مدت عملی باشد، ولی اگر واقع بینانه‌تر به قضیه نگریسته شود مشاهده خواهد شد که پرداخت وام، ممکن است قدرت خرید تولیدکنندگان را در همان سال افزایش، ولی

تغییر در ترکیب موجودیهای انبار

تولید کنندگانی که از طریق پیش فروش کالا متضرر می‌شوند، اقدام به تغییر در ترکیب موجودیهای انبار می‌نمایند. تولیدکننده با توجه به قیمت‌های انتظاری، مواد اولیه مورد نیاز خود (اعم از داخلی و وارداتی) ترکیب موجودی انبار خود را که شامل مواد اولیه‌ای که در داخل تولید شده و یا وارد شده است تغییر خواهد داد. از آنجا که سیاست تک نرخ‌ی کردن ارز، قیمت کالاهای وارداتی را به شدت افزایش می‌دهد، بدین جهت تولیدکنندگان انتظار دارند که رشد قیمت مواد اولیه وارداتی بیش از مواد اولیه تولید شده در داخل باشد. لذا با سرمایه‌هایی که در اختیار دارند، نخست اقدام به خرید مواد اولیه وارداتی می‌نمایند و سپس با سرمایه باقیمانده به خرید و انبار کردن برخی از مواد اولیه‌ای که قیمت آنها بیش از قیمت سایر مواد افزایش می‌یابد خواهند نمود.

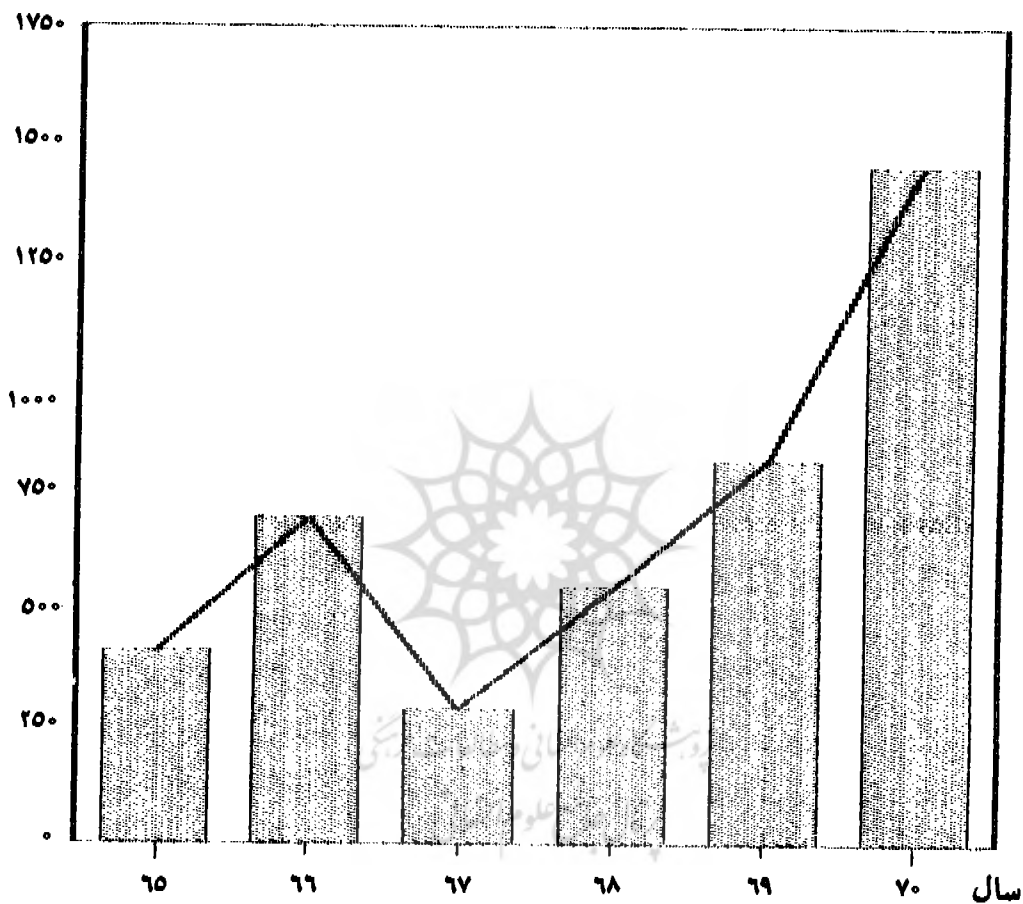
این رفتار تولیدکنندگان باعث می‌شود که موجودی انبار تولیدکنندگان کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای داخلی افزایش یابد و به جای اینکه در شرایط جدید، تولیدکنندگان کالاهای مصرفی اقدام به انبار کردن مواد اولیه داخلی نمایند تولیدکننده کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای خود

اقدام به نگهداری و انبار کردن کالا خواهد کرد. بدین ترتیب تولیدکنندگان کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای در کشور، در این جریان بیشتر متضرر خواهند شد؛ زیرا آنها نه تنها قادر نخواهند بود کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای تولید شده را پیش فروش نمایند بلکه به دلیل تراکم کالا در انبار، ممکن است اقدام به کاهش قیمت و یا به دلیل کاهش هزینه انبارداری، اقدام به فروش نسیه نمایند. بدین ترتیب تولیدکننده کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای، قادر به اتخاذ سیاستی که از کاهش قدرت خرید وی جلوگیری کند نخواهد بود و تنها راه جبران کاهش قدرت خرید برای این تولیدکنندگان همانا کمک‌های دولت (نظیر پرداخت وام) می‌باشد که در این صورت آنها باید به انتظار کمک دولت بنشینند.

تغییر در ترکیب موجودیهای انبار، هرچند قدرت خرید تولیدکننده را در همان سال تحت تأثیر قرار نمی‌دهد، ولی در سالهای آینده از شدت کاهش در قدرت خرید تولیدکنندگان خواهد کاست. بدین ترتیب با افزایش قیمت ارز، ممکن است تولیدکنندگان (دوراندیش) در چند سال نخست به دلیل تغییر در ترکیب موجودیهای انبار، اقدام به وارد کردن مواد اولیه بیشتری نمایند ولی پس از مدتی که موجودی انبار

نمودار (۲): تغییر در موجودی انبار طی سالهای ۱۳۶۵ - ۷۰ (به قیمت ثابت سال ۶۱)

میلیارد ریال



جایگزینی کالاهای سرمایه‌ای وارداتی در کشور کمتر از کالاهای واسطه‌ای وارداتی و جایگزینی کالاهای واسطه‌ای وارداتی، کمتر از کالاهای مصرفی وارداتی است.

مدتی را فراهم کند ولی در بلند مدت، به دلیل عدم سرمایه‌گذاری در تولید کالاهای مزبور و خروج سرمایه‌از تولید این کالاها، عرضه کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای در داخل کاهش خواهد یافت و در نتیجه فعالیت‌هایی که کالاهای مصرفی تولید می‌کردند نیز با مشکل مواجه و رکود اقتصادی شدیدتر خواهد شد.

براساس پیش‌بینی برنامه اول، می‌باید صنایع مصرفی ۵ درصد، صنایع واسطه‌ای ۲۴ درصد و صنایع سنگین ۲۰ درصد رشد داشته باشند. ولی در عمل، صنایع مصرفی بیشترین رشد را حاصل کرده‌اند.^(۲)

راه حل و پیشنهاد

سیاست تک‌نرخی کردن ارز،

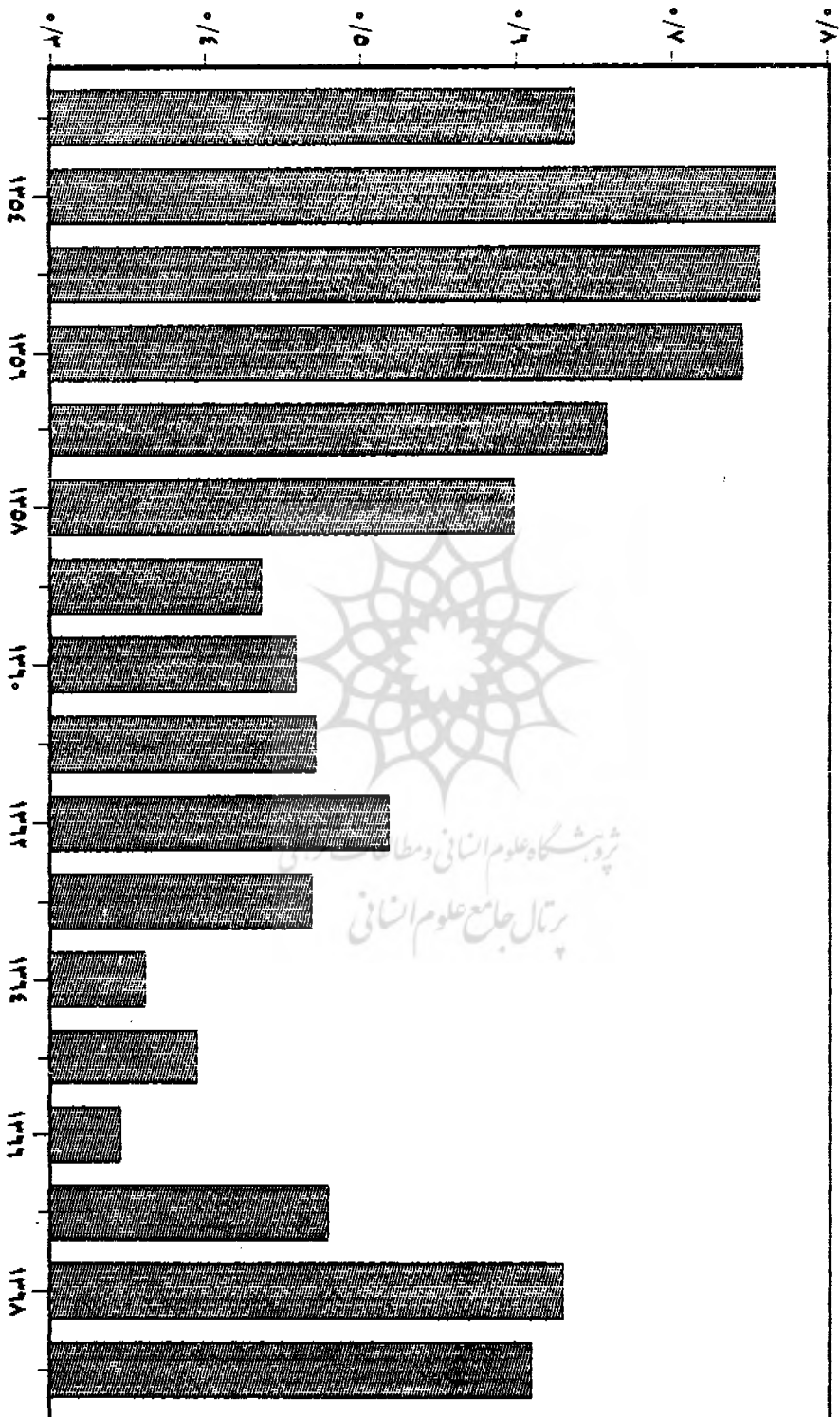
کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای تولید می‌کنند، به تولید کالاهایی که ارزی کمیتری دارند وجود ندارد و تولیدکننده حتی ممکن است با زیان اقتصادی (به منظور پوشاندن هزینه ثابت) به فعالیت خود ادامه دهد، ولی در بلند مدت تولیدکننده قادر خواهد بود خط تولید را از تولید کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای به تولید کالاهایی که ارزی کمیتری دارد تغییر داده و با عوامل تولید را به فعالیت دیگری منتقل کند. در نتیجه این تغییر در ساختار تولیدی، پیش‌بینی می‌شود که به مرور زمان تولید کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای در داخل کشور کاهش یابد و این در حالی است که با افزایش قیمت ارز، واردات کالاهای مذکور که یکی از عوامل بسیار مؤثر در رشد تولید ناخالص داخلی ایران محسوب می‌شود کاهش خواهد یافت که با کاهش واردات آن، در کشور رکود اقتصادی ایجاد خواهد شد^(۱) که به منظور جلوگیری از رکود مذکور، لازم است تا اقدام به تولید کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای در داخل کشور نمود و بدین ترتیب تغییر ساختار تولیدی کشور هرچند ممکن است رشد اقتصادی کوتاه

(۱): رک: نادمهرگان، "ارزیابی سیاست تک‌نرخی کردن ارز از دیدگاه تولید"، ماهنامه بررسی‌های بازرگانی شماره ۷۵، (تیرماه

۱۳۷۲) ص ۱۱.

(۲): اظهارات مشاور معاونت اقتصادی سازمان برنامه و بودجه، روزنامه همشهری، شماره ۳۲۵، (۱۲ بهمن ماه ۱۳۷۲)، ص ۷.

نمودار (۳): نسبت سرعایه گذاری در هاشمین آلات و لوازم کسب و کار از محل واردات به کل آن (۱۳۹۱ = ۱۰۰)



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

و واسطه‌ای بیش از تولیدکنندگان کالاهای مصرفی و خدماتی صدمه خواهند دید. آیا انتخاب درست همین انتخابی است که توسط مکانیزم بازار صورت گرفته است؟ اگر این انتخاب درست نیست در آن صورت چه سیاستی باید اتخاذ شود که تولیدکنندگان کالاهای سرمایه‌ای و مصرفی و خدماتی توسعه یابند.

هرچند مکانیزم بازار، عوامل تولید را از تولید کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای که وابستگی بیشتری دارند به تولید کالاهای مصرفی و خدماتی که سودآوری بیشتری دارند انتقال خواهد داد، ولی این انتخاب بازار برخلاف اهداف توسعه‌ای هر کشور خواهد بود. این انتخاب هرچند ممکن است تولید ناخالص داخلی را در کوتاه مدت افزایش دهد ولی در بلندمدت - همان طور که قبلاً نیز اشاره شد - به دلیل انتقال سرمایه و عدم سرمایه‌گذاری در فعالیتهایی که کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای تولید می‌کنند، (با توجه به اینکه جایگزینی کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای در کشور به مراتب کمتر از کالاهای مصرفی است)، عرضه کالاهای مذکور و مواد اولیه مورد نیاز تولیدکنندگان کالاهای مصرفی و خدماتی کاهش و در نتیجه قیمت آنها افزایش خواهد

برخوردهای پرتلفاتی را به دنبال خواهد داشت که تنها راه جلوگیری از آن عدم اجرای سیاست مذکور است. بدین ترتیب اگر سیاست تک‌نرخی کردن ارز، ضروری باشد در این صورت وجود این برخوردها غیرقابل اجتناب خواهد بود و تنها باید در فکر کاهش تلفات ناشی از برخوردهای مربوط به سیاست تک‌نرخی کردن ارز بود و برای کاهش تلفات باید انتخاب کرد: آیا مصرف‌کننده بر تولیدکننده ترجیح دارد؟ یا برعکس؟ و یا هیچکدام؟ در بین مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان کدامین گروه و طبقه بر گروه و طبقه دیگر ارجح است؟ ظاهراً تولیدکنندگان بر مصرف‌کنندگان ترجیح داده شده‌اند، هرچند دلالت ارز موجبات تضعیف آنها را فراهم نموده‌اند ولی هنوز انتخاب درستی بین تولیدکنندگان صورت نگرفته است. آیا تولیدکننده کالاهای سرمایه‌ای بر تولیدکنندگان کالاهای مصرفی ارجح هستند؟ و یا برعکس؟ کدامیک از فعالیتهای تولیدی با اتخاذ سیاست تک‌نرخی کردن ارز گسترش خواهند یافت؟ آیا تولیدکنندگان کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای، یا تولیدکنندگان کالاهای مصرفی و خدمات؟ همان طور که اشاره شد در این مسیر پرتلفات، تولیدکنندگان کالاهای سرمایه‌ای

فهرست منابع و مآخذ:

- ۱- رفعتی، محمدرضا و دیگران. ارز از چند نرخی تا تک نرخی، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی - ۱۳۷۲.
- ۲- مهرگان، نادر - ارزیابی سیاست تک نرخی کردن ارز از دیدگاه تولید، ماهنامه بررسیهای بازرگانی شماره ۷۵، تیر ماه ۱۳۷۲.
- ۳- فرازمنند، حسن، برآورد کشتش تقاضای واردات ایران " در شرایط عدم تعادل "، پایان نامه فوق لیسانس اقتصاد، تهران: دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۰.
- ۴- کردبیچ، حمید. بهره‌وری برخی صنایع پتروشیمی در ایران، پایان نامه فوق لیسانس اقتصاد، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۱.
- ۵- هندرسن، جیمز و کوانت ریچارد. ثنوری اقتصاد خرد (تقریب ریاضی)، ترجمه مرتضی قره‌باغیان و جمشید پژویان، تهران: ۱۳۷۱.
- ۶- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، حسابهای ملی ایران (۱۳۵۳-۹۶)، تهران: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۰.
- ۷- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، حسابهای ملی ایران (۱۳۶۷-۹۹)، تهران: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۱.
- ۸- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، خلاصه تحولات اقتصادی کشور ۱۳۷۰.
- ۹- سازمان برنامه و بودجه، گزارش اقتصادی ۱۳۶۸، تهران: دفتر اقتصاد کلان سازمان برنامه، ۱۳۶۹.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی